

خبر بدی که توسط امیرحسین صدر فاش شد

امیرحسین صدر برادر و همراه نزدیک حمیدرضا صدر کارشناس و محقق فوتبال ایران است؛ روزنامه‌نگاری که دیروز خبر بیماری او عمومی شد.

به گزارش خبرنگاران گروه ورزشی گزارش خبر، روز گذشته عباس یاری از روزنامه‌نگاران سینمایی در صفحه شخصی‌اش، خبری را منتشر کرد که بسیاری از دوستان نزدیک و همراهان خانواده حمیدرضا صدر از آن مطلع بودند اما به دلایلی مختلف قصدی بر انتشار آن نداشتند با اعلام عمومی خبر بیماری حمیدرضا صدر، موجی از حیرت و البته اندوه در بین طرفداران فوتبال و علاقه‌مندان سینما به وجود آمد و بنابراین آنچه که امیرحسین در صفحه شخصی‌اش نوشته، تماس‌ها آنقدر زیاد است که به سختی می‌تواند به آن‌ها پاسخ بدهد در عین حال متنی که امیرحسین صدر منتشر کرده، نکات جالبی در خود دارد و بخشی از آن هم گلابه‌آمیز است که البته خود عباس یاری در کامنت‌ها درباره این‌که چرا این خبر را منتشر کرده، پاسخی مجدد قلمی کرده است.

این یادداشت تلخی‌ها و واقعیت‌هایی را در خود دارد که با کمی دقت بر شما عیان خواهد شد، اگر چه همه ما امیدوار به بهبود بیماری و معجزه‌ای هستیم که شاید نه تنها در زمین فوتبال، که در زمین واقعی زندگی هم رقم بخورد. این یادداشت را بخوانید:
سال هاست با این درد و رنج زندگی می‌کرد. هیچگاه ترحمی را نمی‌پذیرفت و احتمالا اگر الان هم می‌فهمید اخم میکرد و سری از نارضایتی تکان می‌داد. چیزی که بارها شخصا به او و وظیفه‌اش در قبال پر مهران اشاره کرده بودم. ولی به هیچوجهی وجهی و با تواضعی که با تجربه میاید مایل نبود. "اگر نمیتونی کسی رو خوشحال کنی، غمگینش نکن" (نقل دقیق از حمید) ان هم در این روزگار مردم ما و کورونا و hellip& هزار کوفت دیگر.

ولی خبر اینستاگرامی امروز جناب آقای عباس یاری مانند انفجاری بود در رسانه‌های متفاوت و دلیلی برای مباران ما با پیام‌های محبت‌آمیز دوست و آشنا و غریبه‌های دوست‌داشتنی و بسیاری دوستداران واقعی حمید. نمیدانم باید دستبوس ایشون باشم یا شاکی. در لحظه اول بیاد روزنامه‌های تابلوید افتادم و شیطنت‌های مطبوعاتی بد نبود ایشان با این همه تجربه مطبوعاتی و آشنایی با مهرزاد و حمید کمی روی تصمیم خود تامل می‌کردند، که نکردند.

به هر حال اعلام خبر ناخوشایندی که ۳ سال است خانواده و بویژه مادرم را هزار تکه کرده است اصلا ساده نیست. گویا جناب یاری، یاری کرده و باری بسیار سنگین را از روی دوش ما برداشتند. به هر حال فوتبال و فیلم و نون سنگک کار خودش را کرد!
با این متن از آنجا که نمی‌توانم صدها پیام را یک به یک و با دل و سر فرصت پاسخ دهم
هیم، از همه شما در گوشه و کنار با پیام‌های مستقیم و غیر مستقیم خود قلبا و صمیمانه از طرف خودم و همه خانواده ام تشکر کنم. از همه خوش دلان پر مهر. نه بد دلانی که طی چند سال گذشته، بی‌خبر از همه چیز حمید را از رده کردند و متهم، بی‌انکه بدانند او فقط به اصرار همسر و دخترش و همه ما برای مداوایی رفت تا فقط شاید کمی همه چیز را به تاخیر اندازد. روزی شاید درد دلی داشته باشیم ولی بدونید حمید عزیز ما بازی را سه هیچ آغاز کرده بود&hellip& گویا کام‌بک لیورپولی و معجزه استانبول فقط در زمین فوتبال است و شکست ناپذیری گاری کوپر در فیلم‌ها. زندگی و هیولایی که پدرم را از ما گرفت و حالا حمید، هدفش تمام و کمال نابودی و نیستی است، با زجر و درد. و این است که دل را می‌سوزاند. در اینجا مرگ خود نوعی رهایی است و اسودگی!

حتم دارم حمید از خوشبخت‌ترین‌هاست، در دل بسیاری جای گرفت، بی‌واسطه و بی‌توقع، بی‌ادا و اطوار، دوستش دارند. بی‌شک نیک بخت است. خوشبخت خیلی خوشبخت. از اینرو هدیه او سرمستی ابدی است.
دستبوس همه شما، هر که هستید، هر جا که هستید.